

مقاله پژوهشی

بازخوانی چالش‌های توسعه در منظر شهری نطنز با تأکید بر عناصر سازمان فضایی*

صبا جعفری**، وحید رفیعی دهاقانی، فاطمه پارسا

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

چکیده | منظر شهری بازتابی از هویت، تاریخ، فرهنگ و ساختار فضایی هر شهر است و سازمان فضایی به‌عنوان بستر کالبدی این منظر، نقشی بنیادین در شکل‌گیری ادراک فضایی و هویت شهری ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با تمرکز بر شهر تاریخی نطنز، به خوانش عناصر سازمان فضایی آن شامل قلمرو، مرکز، ساختار و کل‌های کوچک می‌پردازد تا تأثیر دگرگونی‌های ناشی از توسعه معاصر بر منظر شهری را تحلیل کند. نطنز نمونه‌ای از شهرهای ایرانی است که سازمان فضایی آن در پیوند با بستر طبیعی، سلسله‌مراتب عملکردی و نظام معیشتی-اجتماعی شکل گرفته است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیلی-تفسیری، برپایه مطالعات کتابخانه‌ای، متون تاریخی، مشاهده میدانی و تحلیل نقشه‌ها انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که عناصر سنتی سازمان فضایی نطنز از جمله باغات پیرامونی به‌عنوان مرزهای طبیعی قلمرو، مراکز مذهبی و اجتماعی در قلب ساختار فضایی، شبکه ارگانیک مسیرها و پیوندهای عملکردی، در حفظ انسجام فضایی و معنا بخشی به منظر شهر نقشی کلیدی داشته‌اند. با این حال، توسعه‌های چند دهه اخیر از جمله ساخت‌وسازهای جدید، خیابان‌کشی‌ها و گسترش نامتوازن شهر، موجب گسست در سازمان فضایی، تضعیف مرکز تاریخی، از بین رفتن پیوستگی عملکردی و کاهش خوانایی منظر شهری شده‌اند. نتیجه این دگرگونی‌ها، تضعیف هویت تاریخی شهر و کاهش تعلق خاطر شهروندان به فضاهای تاریخی بوده است. بر این اساس، بازنمایی و بازآرایی عناصر سازمان فضایی با تکیه بر بستر طبیعی و ساختار تاریخی شهر، می‌تواند راهبردی مؤثر برای هدایت توسعه پایدار و ارتقاء کیفیت منظر شهری نطنز و شهرهای مشابه باشد. این مطالعه تلاش دارد تا با تأکید بر جایگاه سازمان فضایی در فهم منظر شهری، زمینه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های مکان‌محور در مدیریت توسعه شهرهای تاریخی فراهم آورد.

واژگان کلیدی | سازمان فضایی، منظر شهری، توسعه، نطنز.

نظیر مرکز، ساختار، قلمرو و کل‌های کوچک، به‌طور کامل شکل نخواهد گرفت. این عناصر نه‌تنها چارچوب حرکت، سکون، ادراک و تجربه فضایی شهر را تعیین می‌کنند، بلکه هویت فضایی آن را نیز شکل می‌دهند. توسعه شهری معاصر در بسیاری از شهرهای تاریخی، به‌ویژه شهرهای کوچک با بافت‌های منسجم، بدون توجه به ساختار فضایی سنتی و ویژگی‌های منظر تاریخی انجام شده است. سازمان فضایی نطنز، حاصل تعامل تاریخی میان انسان، بستر طبیعی و ساختار اجتماعی است. این شهر با ویژگی‌های سلسله‌مراتب فضایی، تأثیر از توپوگرافی، حضور مرکز معنایی-اجتماعی و خوانایی ساختار کالبدی، نمونه‌ای از سازمان فضایی شهر ایرانی به‌شمار می‌رود. با این حال، در دهه‌های اخیر، روند

مقدمه | منظر شهری بازتابی از تعامل میان ساختار کالبدی، فعالیت‌های انسانی و زمینه تاریخی-فرهنگی یک شهر است؛ پدیده‌ای چندلایه که هم در ادراک روزمره شهروندان شکل می‌گیرد و هم در ساختار فضایی شهر ریشه دارد. سازمان فضایی، به‌عنوان بنیان نظم‌دهنده به اجزای کالبدی شهر، نقشی بنیادین در شکل‌گیری و تداوم منظر شهری ایفا می‌کند. در این چارچوب، فهم منظر شهری بدون شناخت عناصر سازمان فضایی

*این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «سازگاری‌های توسعه با مکانیت بستر (مطالعه موردی: منطقه نطنز روستاهای اطراف)» است که به سرپرستی دکتر «سید امیر منصوری» در سال ۱۴۰۴ در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر به انجام رسیده است.
**نویسنده مسئول: ۰۹۳۹۱۳۷۷۶۲ Sabajafari@ut.ac.ir

تاریخی شهر و دگرگونی‌های ناشی از توسعه معاصر است. ابزارهای به‌کاررفته در تحلیل شامل نقشه‌ها، تحلیل روابط فضایی، خوانش ساختارهای کالبدی و بررسی لایه‌های معنایی در متون تاریخی بوده که هم‌زمان به فهم کالبد و معنای فضا کمک کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

منابع بررسی شده در روند این پژوهش به دو دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شوند. دسته اول منابعی می‌باشند که با رویکرد سیستمی و کل‌نگر به بررسی شهر، سازمان فضایی و عناصر آن پرداخته‌اند. کتاب «چشم‌اندازهای منظر؛ ماهیت کل‌نگر منظر» (Antrop & Van Eetvelde, 2017) به بررسی ماهیت چندوجهی و کل‌نگر منظر می‌پردازد. نویسندگان این کتاب منظر را به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده، پویا، عینی و ذهنی معرفی کرده و تجربه آن را نیازمند درک چندبعدی و چندحسی می‌دانند. منسوری و همکاران (Mansouri et al., 2020) در کتاب «سازمان فضایی شهر ایرانی در دوره اسلامی» با نگاهی سیستمی و بررسی مدارک و اسناد تاریخی مختلف، به تعریف سازمان فضایی در شهرهای ایران از جمله قزوین، تبریز، بوشهر، گرگان و یزد می‌پردازد و آنها را مبتنی بر چهار رکن اساسی مرکز، کل‌های کوچک، ساختار و قلمرو معرفی می‌کند. در ادامه ابرقویی فرد و منصور (Abarghouei Fard & Mansouri, 2021) در مطالعه عناصر سازمان فضایی شهرهای ایرانی پس از اسلام، ویژگی‌ها و شاخص‌های شناسایی و بررسی عناصر سازمان فضایی را استخراج و جمع‌بندی کرده‌اند. نطاق و حسین‌زاده (Natagh & Hosseinzadeh, 2023) در سیر بررسی تحولات سازمان فضایی شهر مشهد، عناصر آن را نیز مورد بررسی قرار داده و همچنین تأثیرات توسعه حرم بر بافت تاریخی شهر را مطالعه کرده‌اند. در ادامه جیانگ و همکاران (Jiang et al., 2023) با مطالعه برنامه‌های توسعه شهری، علاوه بر بررسی چگونگی جدایی میراث شهری و برنامه‌های توسعه شهری، پیوند منظر شهری با توسعه را نیز بررسی کرده‌اند.

دسته دوم منابع به بررسی تاریخچه و تحولات شهر نطنز پرداخته‌اند. در کتاب‌هایی چون «نفحات الانس» (جامی، ۱۳۶۶)، «سفرنامه فیگوروا» (فیگوروا، ۱۳۶۳)، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه» (کاشانی نطنزی، ۱۳۲۵) ویژگی‌های کالبدی شهر نطنز و تحولات تاریخی، جغرافیایی و آثار تاریخی و فرهنگی این شهر مطالعه شده است. همچنین محمدی و همکاران (Mohammadi et al., 2021) در مقاله‌ای به مطالعه سیر تحول و شکل‌گیری محلات شهر نطنز در ادوار مختلف با استفاده از کتیبه‌های بناهای تاریخی در دوران اسلامی پرداخته‌اند. در ادامه ماهیان (۱۳۷۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به مطالعه جغرافیای تاریخی شهر نطنز پرداخته است و سیر تحول و گسترش شهر را مورد مطالعه قرار داده است. اگرچه پژوهش‌های متعددی در زمینه‌های گوناگون همچون

توسعه کالبدی، به‌ویژه زیرساخت‌های جدید، ساخت‌وسازهای ناسازگار با بستر و تغییر کاربری‌ها، موجب دگرگونی در ساختار فضایی شهر شده که پیامدهایی چون گسست فضایی، تضعیف مراکز تاریخی و از بین رفتن پیوستگی معنایی و دیداری را در پی داشته است.

اهمیت این موضوع از آن‌روست که منظر شهری صرفاً پدیده‌ای زیباشناختی نیست، بلکه بازتابی عمیق از هویت تاریخی، فرهنگ و اجتماع یک شهر به شمار می‌آید. تضعیف منظر شهری می‌تواند به تضعیف هویت مکان، کاهش تعلق خاطر شهروندان و گسست در حافظه جمعی منجر شود. در چنین شرایطی، تحلیل نحوه دگرگونی عناصر سازمان فضایی در جریان توسعه معاصر، نه تنها ضرورتی علمی، بلکه ابزاری راهبردی برای هدایت فرایند طرح‌های توسعه در راستای حفظ ارزش‌های منظرین و ارتقای کیفیت فضای شهری تلقی می‌شود. این پژوهش با هدف بازخوانی چالش‌های توسعه معاصر در منظر شهری نطنز، تلاش می‌کند تا از منظر عناصر سازمان فضایی به تحلیل وضعیت موجود بپردازد. بسیاری از آسیب‌های وارد بر منظر شهری نطنز، ناشی از نادیده گرفتن یا تضعیف عناصر کلیدی سازمان فضایی آن بوده است. از این‌رو، شناخت این عناصر و نحوه تغییر آنها در روند توسعه می‌تواند در ارائه راهکارهایی برای مدیریت هوشمندانه توسعه و حفاظت از منظر تاریخی شهر مؤثر باشد. این پژوهش بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای در زمینه سازمان فضایی شهر و یافته‌های اکتشافی به دست آمده از بررسی اثرات توسعه بر سازمان فضایی شهر تاریخی نطنز در پی پاسخگویی به این پرسش است که عناصر اصلی سازمان فضایی نطنز کدام‌اند و چه نقشی در شکل‌گیری منظر شهری آن دارند؟ همچنین برنامه‌های توسعه و الگوی توسعه کالبدی و عملکردی چند دهه اخیر چه تأثیراتی بر ساختار فضایی و منظر شهر نطنز داشته است؟ و نهایتاً، چگونه می‌توان با شناخت این چالش‌ها، به راهکارهایی برای حفظ و ارتقاء منظر شهری نطنز دست یافت؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند بستری برای بازاندیشی در سیاست‌های توسعه‌ای در شهرهای تاریخی مشابه فراهم آورد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه از نوع کیفی با رویکردی تحلیلی-تفسیری است که با تمرکز بر فهم عمیق ساختار فضایی و منظر تاریخی شهر نطنز انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات اسناد و منابع تاریخی، متون مرتبط با منظر شهری و سازمان فضایی و همچنین مشاهده میدانی با رویکرد تطبیقی میان گذشته و وضع موجود گردآوری شده است. تحلیل کالبدی-فضایی نیز با بهره‌گیری از نقشه‌های شهری و مستندسازی میدانی به شناسایی و ارزیابی عناصر اصلی سازمان فضایی نطنز و تغییرات آنها در گذر زمان کمک کرده است. محدوده مورد مطالعه، بافت تاریخی شهر نطنز است که واجد نشانه‌های سازمان فضایی

گرفته و به دنبال فهم معنا و تجربه ذهنی شهروندان از شهر است. رابطه میان تاریخ، تجربه حضور و حافظه چارچوبی به‌منظور خوانش منظر شهری است که در یک سیستم می‌تواند هر لحظه تجربه شهری را روایت کند (Valibeig & Inanloo, 2021). در این دیدگاه، منظر شهری صرفاً یک کالبد یا تصویر فیزیکی نیست؛ بلکه ادراک ذهنی شهروندان از شهر است که از طریق نمادها و نشانه‌های شهری حاصل می‌شود. این رویکرد، با نگاهی کل‌نگر و سیستمی، شهر را به‌عنوان کلیتی یکپارچه با ابعاد کالبدی، فرهنگی و معنایی در نظر می‌گیرد. تأکید بر تعاملات میان این لایه‌ها، هویتی مستقل و کلی به منظر شهری می‌بخشد. طراحی و مدیریت منظر شهری در این رویکرد بر پایه نگاه کل‌نگر انجام می‌شود که همه عناصر و لایه‌های شهری را در نسبت با یکدیگر و کل مجموعه بررسی می‌کند (Mansouri et al., 2019). در واقع شهر تنها مجموعه‌ای از عناصر پراکنده نیست، بلکه کل منسجمی است که ارتباط معنادار میان اجزای آن باعث افزایش درک و تعلق شهروندان به محیط می‌شود. هرچه این ارتباطات گسترده‌تر باشد، درک شهروندان از شهر و هویت آن تقویت می‌شود (Adelvand et al., 2016).

• خوانش منظر شهر از طریق عناصر سازمان فضایی

منظر شهری ادراک و تجربه شهروندان از فضای شهر است که از طریق مشاهده و تفسیر نمادهای موجود در شهر به دست می‌آید و به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی، بخشی از ماهیت انسان‌های آن شهر است (Mansouri, 2005؛ قربی، ۱۳۹۱). منظر شهری مفهومی میان رشته‌ای است که از تلاقی دیدگاه‌های معماری، شهرسازی، جغرافیا و فرهنگ پدید آمده است و در ساده‌ترین معنا، به‌درک، تجربه و بازنمایی فضاهای شهری توسط کاربران و ناظران اشاره دارد. منظر، فراتر از آنکه تنها کالبد شهر باشد، واجد لایه‌های از معنا، حافظه، عملکرد و تاریخ است که در بستر فضاهای شهری شکل می‌گیرد و قابل بازخوانی است (Rossi, 1982). منظر به‌عنوان نمود عینی و ذهنی شهر، می‌تواند بستر تحلیل روابط اجتماعی، ساخت قدرت، فرهنگ زیسته و ساختار فضایی شهر باشد. خوانش منظر شهر تلاشی برای شناسایی ساختارهای فضایی، نظام‌های شکل‌دهنده فضا و لایه‌های مستتر در فضاهای شهری است. در دهه‌های اخیر، رویکردهایی چون «پدیدارشناسی مکان» (Relph, 1976)، «زیبایی‌شناسی فضا» و «تحلیل ریخت‌شناسانه منظر» امکان مطالعه دقیق‌تری از منظر شهری را فراهم کرده‌اند. از رویکردهای کارآمد در این زمینه، تحلیل منظر شهری براساس عناصر سازمان فضایی، شناسایی و تفسیر نقش اجزای کالبدی و عملکردی در نظم‌دهی به فضای شهر است. سازمان فضایی شهر، حاصل نگرش به شهر به‌عنوان یک کل مستقل است. مفهومی مجرد و معادل نظم میان عناصر مختلف به‌وجودآورنده یک شهر است (Mansouri et al., 2020, 43). سازمان فضایی مفهومی برآمده از نگاه سیستمی به شهر

خوانش سازمان فضایی شهرها، جغرافیای تاریخی، تحلیل متون و اسناد تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی در نطنز صورت پذیرفته است و این پژوهش‌ها از تنوع موضوعی گسترده‌ای برخوردارند، اما در اغلب آنها به تکوین و تحول سازمان فضایی شهر نطنز در ارتباط با توسعه‌های معاصر و تأثیر این فرایندها بر ساختار کالبدی و عملکردی شهر توجه چندانی نشده است. وجه تمایز پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین، تمرکز آن بر خوانش سیر تحول سازمان فضایی نطنز از گذشته تا دوران معاصر، روند توسعه‌های شهری نطنز و تحلیل تأثیرات توسعه‌های شهری جدید بر سازمان فضایی تاریخی شهر است. وجه تمایز این پژوهش با سایر مطالعات انجام شده، بررسی سیر تحول سازمان فضایی شهر نطنز با اتکا بر منابع کتابخانه‌ای، اسناد تاریخی و مطالعات میدانی است. همچنین در این پژوهش، نقش عوامل طبیعی، فرهنگی و کالبدی در تغییر ساختار فضایی نطنز بررسی شده و روابط میان عناصر شهری در بستر تحولات زمانی بررسی و تحلیل شده است.

مبانی نظری

• رویکرد منظرین در خوانش شهر

منظر، صحنه زندگی و حامل معنی است (Spirn, 2008) که ما در آن ساکن هستیم و به‌واسطه حواسمان آن را درک می‌کنیم (Bell, 2007). منظر شهری براساس تعریف کنوانسیون اروپایی منظر، به‌عنوان بخشی از محیط قلمداد می‌شود که توسط ساکنان شهر ادراک می‌شود (Collado Cappila & Gómez-Pardo Gabaldón, 2018) و نتیجه تعامل انسان با محیط طبیعی و تاریخی است که در طول زمان شکل گرفته است. این ارتباط میان طبیعت و تاریخ در منظر شهری قابل مشاهده است و آن را به پدیده‌ای پویا و متصل به گذشته و حال تبدیل می‌کند (Mansouri, 2005). رویکرد منظرین به شهر، رویکردی کل‌نگر است که میان عینیت و ذهنیت پیوند برقرار می‌کند. در این رویکرد، منظر شهری به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شود. ادراکات شهروندان و کالبد شهر هر یک به‌تنهایی معنایی ندارند و تنها در تعامل با یکدیگر کامل می‌شوند (Zandieh & Goo-darzi, 2014). در این رویکرد، شهر در ارتباط با عوامل زمانی، تاریخی و طبیعی تعریف می‌شود. زیرا منظر دارای ماهیت مکان است و در طول تاریخ، حاصل تعامل انسان و محیط، به دست جامعه در چارچوب اقتضائات طبیعی و تاریخی، پدید آمده است (Mansouri, 2010). از برتری‌های این رویکرد، در نظر گرفتن ابعاد زمانی، مکانی و طبیعی در فهم شهر است. در نتیجه، منظر شهری تنها از طریق پیوند میان کالبد، ذهنیت و رویدادها معنا پیدا می‌کند و رویکرد منظرین با تأکید بر تعامل انسان، محیط و تاریخ، فهمی کل‌نگر از شهر ارائه می‌دهد و آن را به پدیده‌ای زنده و پویا تبدیل می‌کند. رویکرد منظرین در خوانش منظر شهری از مفاهیم مکانیکی فاصله

نطنز از شهرهای تابع استان اصفهان، میان شهرستان‌های آران و بیدگل و کاشان از شمال و اصفهان در جنوب قرار گرفته است (قبادیان، ۱۳۹۳، ۴۱). مطابق تصویر ۲، شهر در مسیر رودخانه‌های طامه و اوره قرار داشته است و مسیر جریان آب در شهر نطنز، از دلایل شکل‌گیری هسته‌های سکونتی و محلات و تقدم و تأخر در شکل‌گیری آنها است (ماهیان، ۱۳۷۴، ۲۶). از دیگر عوامل شکل‌گیری نطنز، شکل زمین و استقرار در میانه بستر کوهستانی و گستره پیوسته از باغات و اراضی کشاورزی است. موقعیت جغرافیایی شهر، در کنار منابع آبی و اراضی حاصلخیز، بستر مناسبی برای شکل‌گیری نظام فضایی متکی بر ساختار طبیعی فراهم کرده است؛ به گونه‌ای که بافت تاریخی شهر با پیروی از توپوگرافی و مسیرهای طبیعی جریان آب، به شکلی ارگانیک و سلسله‌مراتبی توسعه یافته است. شکل‌گیری محلات در امتداد مسیر رودخانه‌ها و در حاشیه باغات، نه تنها نظم فضایی شهر را تعیین کرده، بلکه به تثبیت الگوهای معیشتی و کالبدی در طول تاریخ انجامیده که تا امروز قابل‌ردیابی است.

• قلمرو؛ سازمان‌یافتگی فضایی از رهگذر باغات و هسته‌های سکونتی

قلمرو لبه‌ای است که یک ناحیه دارای ویژگی خاص را از نواحی مجاور آن جدا می‌کند. این ویژگی خاص می‌تواند شامل صفتی معین و قابل‌دریافت با ادراک حسی و یا نتیجه استقرار عملکردی مشخص و متفاوت از خارج مرز قلمرو باشد. تشخیص و درک محدوده‌ای از فضا که گروهی از ساکنان شهر خود را متعلق به آن بدانند، شرط مهمی در تحقق مفهوم کل از شهر است (Abarghouei Fard & Mansouri, 2021). نطنز به جهت برخورداری از جغرافیای طبیعی از جمله دشت‌های وسیع و کوه‌های بلند که در طول حیات شهر به‌عنوان عامل دفاعی اصلی آن عمل می‌کند، توجه شده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ۱۲۹). همچنین «...شهر نطنز از مغرب و جنوب به صخره‌های عظیم

و اجزای سازنده آن محسوب می‌شود که شهر را حاوی معنایی فراتر از جمع جبری اجزای کالبدی آن دانسته و معنایی برآمده از نظم، نسبت و ارتباط میان اجزاء برای شهر قائل است (Abarghouei Fard & Mansouri, 2021).

یافته‌ها

• خوانش سیستمی سازمان فضایی شهر نطنز

شهر مجموعه‌ای از اجزای پراکنده نیست بلکه کلی است که میان عناصر تشکیل دهنده آن وحدت هدف و ارتباطات معنی‌دار وجود دارد. هر قدر این ارتباطات گسترده تر باشد درک شهروندان از شهر قوی‌تر و تعلق آنها به محیط شهری بیشتر است (Adelvand et al., 2016). از میان رویکردهای گوناگونی که به خوانش شهر می‌پردازند، نگرش سیستمی شهر را نه مجموعه‌ای منفک و بی‌ارتباط از عناصر، بلکه کلیتی هدفمند و یکپارچه می‌بیند که اجزای آن در تعامل و پیوندی معنادار با یکدیگر قرار دارند. از این رو، نمی‌توان شهر را صرفاً با تحلیل جزء به جزء عناصر آن درک کرد؛ بلکه تنها از رهگذر نگاهی کل‌نگر و سیستمی است که خوانش دقیق از شهر شکل می‌گیرد (Mansouri, 2013). در نگاه سیستمی به شهر، مهم‌تر از حفاظت دانه‌ها و اشکال متنوع صورت شهر، روابط آنهاست که تحت نظامی، سازمان فضایی شهر را آفریده است (Mansouri et al., 2020). سازمان فضایی شهر یک مفهوم کلی است که در فضای واقعی شهر به شکل عناصر عینی دیده می‌شود. این عناصر در هر شهر یا منطقه می‌توانند مشابه یا متفاوت باشند. مطابق تصویر ۱، در شهرهای ایرانی دوره اسلامی، سازمان فضایی از چهار بخش «قلمرو»، «مرکز»، «ساختار» و «کل‌های کوچک» تشکیل شده است. در ادامه به‌منظور شناسایی مؤلفه‌های سازمان فضایی شهر نطنز، با استفاده از مشاهدات میدانی و مطالعات پیشین، هر یک از عناصر به‌صورت جداگانه بررسی می‌شود.



تصویر ۲. عوامل طبیعی مؤثر در شکل‌گیری شهر نطنز. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱. عناصر سازمان فضایی شهر ایرانی. مأخذ: Mansouri et al., 2020.

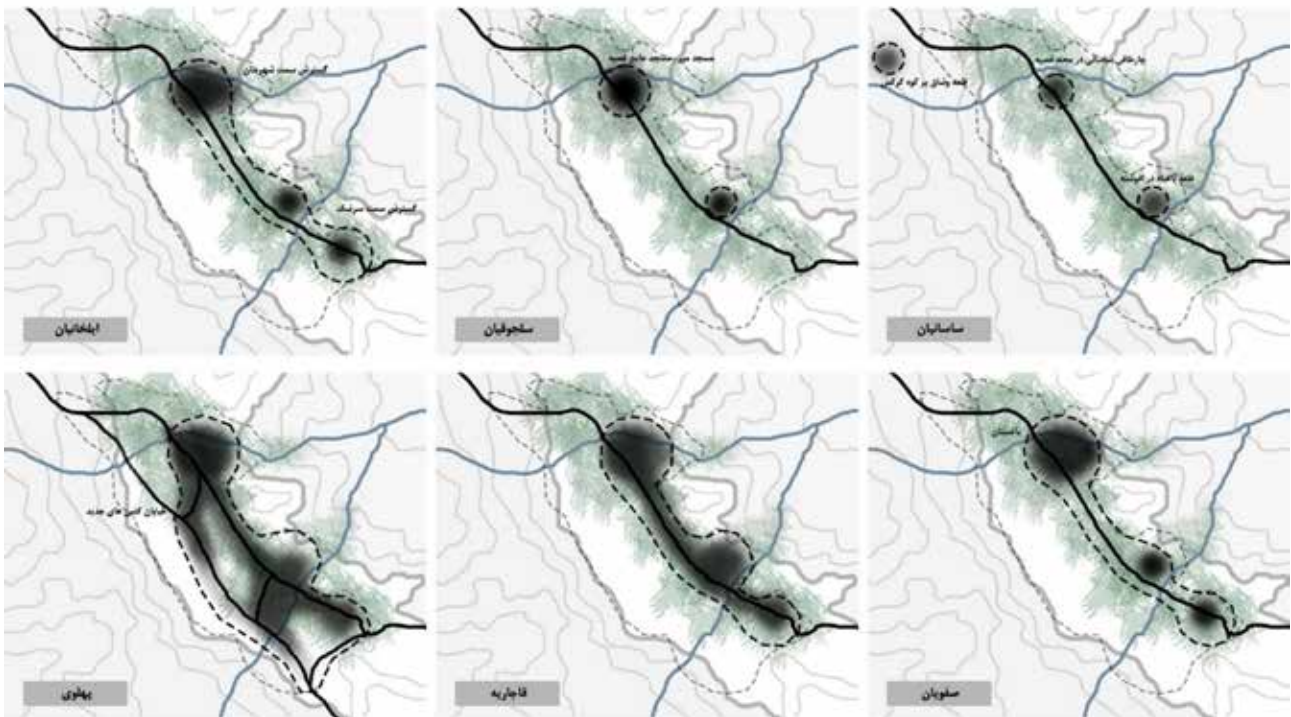
فضاساز در تعریف لبه‌ها و خوانایی قلمرو شهری ارتقا یافته‌اند. با توجه به نقش باغات در سازمان فضایی شهر، تداوم حیات و حفظ ساختار ارگانیک آنها، نه تنها در انسجام فضایی میان بافت‌های سکونت‌مؤثر بوده، بلکه در تثبیت مرزهای هویتی و تاریخی نطنز نیز نقش مهمی دارد.

• مرکز؛ مکان هست شدن شهر

مرکز شهر مفهومی فراتر از یک مکان فیزیکی است و به مثابه تجلی عینی جوهر هویتی و تاریخی شهر عمل می‌کند. در شهر نطنز، مرکز به‌عنوان کانون اصلی شکل‌گیری حیات شهری، همواره با کارکردهایی چون تجمع عناصر کالبدی مهم نظیر مسجد، بازار، میدان و دیگر فضاهای عمومی و همچنین رویدادهای اجتماعی و سیاسی تعریف شده است. مرکز تلاقی عناصر کالبدی تنها شرط کافی مرکز محسوب می‌شود، در حالی که استمرار حیات مرکز نیازمند حضور رویدادهای اجتماعی است که در بستر تاریخی و فرهنگی شهر معنا می‌یابند (Mansouri et al., 2020, 55). در نطنز، بقایای چارتاقی ساسانی در محله قصبه نشان از نخستین هسته شهری دارد که با تکیه بر پیشینه‌ای مذهبی و آیینی شکل گرفته و جایگاه مرکزی آن براساس شرایط جغرافیایی و سیاسی آن دوران تثبیت شده است.

تحولات تاریخی شهر نطنز موجب تغییر در ساختار و جایگاه مرکز در ادوار مختلف شده است. مطابق تصویر ۴، هسته اولیه شهر در دوره ساسانی با ساختارهای دفاعی قلعه وشاق بر روی

از شرق و شمال به کوه‌های کوچکتری محدود می‌شود و شهر از هر طرف محصور در کوهسار است» (فیگوروا، ۱۳۶۳، ۲۸۲). مطابق تصویر ۳، در دوران ساسانیان اولین تأسیسات دفاعی شهر نطنز بر روی کوه کرکس احداث شد که بقایای آنها هم‌اکنون به نام «قلعه وشاق» شناخته می‌شود. همچنین قلعه «باغباد» نیز در محله افوشته، به‌عنوان تأسیسات دفاعی شهر احداث شد (Mohammadi et al., 2022). در گام نخست، کوه‌های پیرامونی به‌ویژه کوه کرکس، نخستین مرزهای طبیعی و دفاعی قلمرو شهر نطنز را شکل داده‌اند و نقشی بنیادین در تعیین حدود فضایی آن داشته‌اند. در مراحل بعد، باغات و رودها به‌عنوان مرزهای زیستی و تولیدی، در تعریف قلمرو شهری نطنز نقش ایفا کرده و به تثبیت ساختار فضایی شهر در بستر طبیعی کمک کرده‌اند. چنانکه قلمرو شهر نطنز در کمربندی از باغات اطراف هسته مرکزی شهر بوده که مردم شهر از طریق آن، امرار معاش می‌کردند (Javeri et al., 2022). درنهایت، با توجه به سازمان فضایی شهر نطنز، قلمرو آن در بستر طبیعی و تاریخی خود، توسط شبکه‌ای پیوسته از باغات شکل گرفته است که به‌عنوان عناصر مرزی و ساختاری، محدوده‌های عملکردی شهر را تعریف و تبیین می‌کنند. این باغات نه تنها نقش تعیین‌کننده‌ای در ساخت مرزهای کالبدی شهر دارند، بلکه واسطی میان سه هسته سکونت‌ی و اجزای مجموعه شهری به‌شمار می‌آیند. در سیر تحول تاریخی شهر، این باغات به تدریج از نقشی زراعی و اقتصادی به عنصری



تصویر ۳. روند گسترش سازمان فضایی و قلمرو شهر نطنز طی ادوار مختلف. مأخذ: نگارندگان.

فضایی تاریخی و پیوستگی فضایی شکل گرفته، به گونه‌ای که کارکردهای مهم شهری و تمرکز فعالیت‌ها از مرکز تاریخی به فضاهای حاشیه‌ای و نوظهور پراکنده و منتقل شده‌اند. این امر موجب تضعیف نقش مرکز به‌عنوان نقطه تمرکز عملکردی، فرهنگی و اجتماعی شده است. در نسبت با کل سازمان فضایی نطنز، مرکز تاریخی شهر مانند گذشته نقشی انسجام‌بخش و هدایت‌کننده ایفا نمی‌کند. گسترش نامتوازن و فقدان برنامه‌ریزی مکان‌محور در مرکز موجب شده تا ساختار فضایی شهر از پیوستگی عملکردی و بصری فاصله گیرد. همچنین به‌علت تضعیف محورهای ارتباطی و تداوم بصری میان اجزای شهری، ادراک منظر مرکز نیز دچار ضعف شده و حضور آن در ذهن و تجربه شهروندان کم‌رنگ گشته است. در چنین شرایطی، نه تنها خوانایی مرکز در بافت کلی شهر کاهش یافته، بلکه امکان بازیابی آن با چالش جدی مواجه است.

• ساختار؛ عنصر متصل‌کننده در ادراک شهر

ساختار شهرهای ایرانی، به‌عنوان محوری کالبدی - عملکردی عامل ارتباط میان اجزای اصلی شهر (Mansouri, 2020, 56)، از جمله حصار، مرکزیت، محلات و مجموعه‌های شهری هستند. بدون آن عناصر مذکور به‌صورت پراکنده و فاقد ارتباط با یکدیگر شکل گرفته و قادر به ایجاد مفهوم «کلی» از شهر نیستند (Abarghouei Fard & Mansouri, 2021). نقش عملکردی ساختار به‌عنوان عنصر برقرار کننده ارتباط میان بخش‌های مختلف شهر، سلسله مراتب در دسترسی‌ها، عامل پیوند میان اجزا و عملکردهای اصلی و مهم شهر به شکل ستون فقرات و شکل‌گیری جریان مداوم حیات و زندگی شهری که سبب اعطای نقش اجتماعی به ساختار و سازمان یافتن حیات اجتماعی در شهر می‌شود (Mansouri, 2020, 56).

ساختارهای تاریخی شهر نطنز به‌صورت ارگانیک، متأثر از عوامل طبیعی، اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی گسترش یافته است. راه‌ها و مسیرهای ارتباطی نقش کلیدی در سازماندهی فضایی و پیوند بین اجزای شهری ایفا کرده‌اند. این مسیرها علاوه بر ایجاد دسترسی میان عناصر اصلی شهر چون مرکز، بازار، محلات، باغ‌ها و دروازه‌های ورودی، با پیروی از شیب زمین، خطوط قنات و محورهای طبیعی، بستری برای شکل‌گیری حیات شهری فراهم می‌آورند. شبکه ساختارهای نطنز براساس سلسله‌مراتب فضایی شکل گرفته است و بدین ترتیب ساختارهای اصلی، مرکز شهر را به محلات و ورودی‌های آن متصل کرده تا ساختارهای فرعی را از فضای عمومی تفکیک کنند. این نظم فضایی، علاوه بر کارکرد عملکردی، واجد بار اجتماعی و فرهنگی نیز بود و به فضاها معنا و هویت می‌بخشید. ساختارهای شهری در نطنز همچون مسجد جامع و مجموعه شیخ عبدالصمد، در پیوند مستقیم با شبکه راه‌ها و بافت پیرامونی قرار داشتند و محورهای منتهی به آنها به‌مثابه ستون فقرات شهر عمل می‌کردند. با آغاز دوره معاصر



تصویر ۴. جنمایی هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر نطنز. مأخذ: نگارندگان با استفاده از Mohammadi et al., 2022.

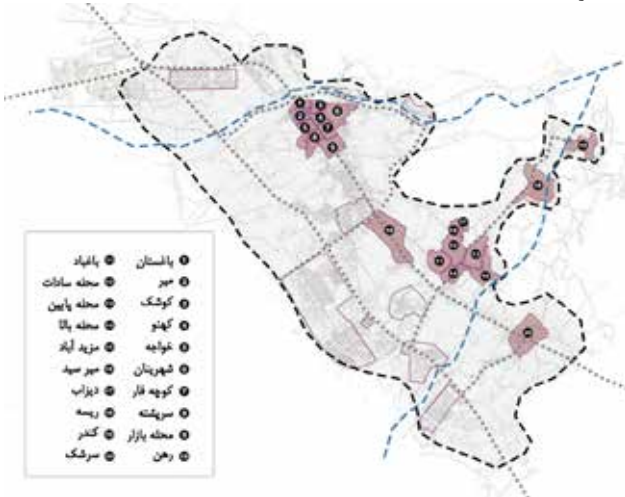
کوه کرکس، قلعه باغباد در محله افوشته و چارطاقی ساسانی در محله قصبه شکل گرفته است. در دوران اسلامی، به‌ویژه دوره دیلمی و سلجوقی، محله قصبه به‌عنوان مرکز اصلی شهر تثبیت شد و رونق گرفت. با حمله مغولان و خرابی‌های ناشی از آن، مرکز از محله قصبه به ناحیه سرشک در جنوب شرقی شهر منتقل شد و به تبع آن، مرکزیت شهری تحت تأثیر عوامل امنیتی و طبیعی، همچون نزدیکی به رود طامه، تغییر مکان یافت (جامی، ۱۳۶۶، ۴۲۸؛ کاشانی نطنزی، ۱۳۲۵، ۱۷). در دوره ایلخانی نیز، با حفظ محور قصبه، شهر به سمت مسیرهای آبی و محلاتی چون سرشک و شهرینان گسترش یافت. در دوره تیموری، هسته سوم شهری مجدداً در افوشته شکل گرفت. با این حال، در دوره صفوی و پس از آن، مرکز مجدد به نواحی قصبه و فارح منتقل شد و محلاتی چون باغستان و کوچه فارح، جایگاهی ویژه در مسیرهای ارتباطی و حکومتی پیدا کردند. این بازگشت، نه تنها از منظر کالبدی، بلکه در قالب یکپارچگی سازمان فضایی شهر نیز اهمیت یافت، به گونه‌ای که سایر مجموعه‌ها در قالب کل‌های کوچک‌تر در پیرامون مرکز اصلی تعریف شدند و در نسبت فضایی و معنایی با آن قرار گرفتند. در دوره قاجار، بازار مرکزی شهر شکل گرفت و با الحاق روستاهای پیرامونی، قلمرو شهر گسترش یافت. سرانجام، در دوره پهلوی، خیابان‌کشی‌های جدید موجب برش کالبدی بافت تاریخی و تغییر جهت توسعه فیزیکی شهر به سوی جنوب شد، که این روند ساختار فضایی یکپارچه پیشین را دچار گسست کرد (Mohammadi et al., 2021). این تحولات نشان می‌دهد که مرکز نه تنها محل تبلور سازمان فضایی است، بلکه ادراک منظر تاریخی و فرهنگی شهر نیز حول آن شکل می‌گیرد.

در روند توسعه نطنز، مرکز تاریخی شهر که در گذشته نقش محوری در سازمان فضایی و زندگی روزمره ساکنان داشته، به تدریج جایگاه و ساختار پیشین خود را از دست داده است. توسعه در دهه‌های اخیر، اغلب بدون پیروی از الگوهای سازمان

نیز دستخوش تحولاتی شده است. در روند توسعه شهر، روستاهای تاریخی اطراف شهر، به بدنه شهر متصل شده و امروزه جزئی از محلات تاریخی شهر هستند (تصویر ۷).



تصویر ۵. ساختارهای شهری جدید با نظام ماشین‌محور و غیرانسانی. عکس: صبا جعفری، ۱۴۰۴.



تصویر ۶. محله‌های تاریخی شهر نطنز بر پایه طرح تفصیلی. مأخذ: نگارندگان با استفاده از طرح جامع ۸۸.

و ورود الگوهای جدید توسعه شهری، ساختار تاریخی نطنز دچار دگرگونی شد. توسعه فیزیکی شهر به سوی دشت، ورود شبکه‌های خیابانی سواره‌محور، تعریض معابر سنتی و گسست میان مراکز قدیمی و مناطق جدید، موجب تضعیف نقش عملکردی و اجتماعی شبکه راه‌های تاریخی و نظام سلسله‌مراتبی گذشته شد. مطابق تصویر ۵، بسیاری از محورهای سنتی از مدار استفاده خارج یا به مسیرهای حاشیه‌ای بدل شدند و ساختار پیاده‌محور و انسان‌مقیاس جای خود را به نظامی ماشین‌محور داد. از سوی دیگر، گسترش بی‌برنامه و گاه نامتناسب با توپوگرافی شهر، منجر به تداخل ساختارهای جدید با نظام طبیعی و سنتی شهر شد. این تغییرات، نه تنها انسجام کالبدی و عملکردی شهر را تحت تأثیر قرار داده، بلکه ارتباط فضایی میان اجزای تاریخی شهر را نیز گسسته و از معنا تهی کرده است.

• کل‌های کوچک؛ اجزای ادراک یکپارچه شهر

بارشده و توسعه شهر و افزایش جمعیت ساکنان، مرکز دیگر قادر به ارائه خدمات کارکردی به تمامی شهر نیست؛ به لحاظ معنایی نیز شهر به جای محدود شدن به یک مفهوم و موجود بسیط، تنها در صورت تقسیم‌بندی بر مبنای تمایزات و تقلیل فضا به واحدهایی با مقیاس کوچک‌تر معنا می‌یابد. کل‌های کوچک تمام سطح شهر را پوشش می‌دهند و به دو شکل محله و مجموعه شهری وجود داشته‌اند (Abarghouei Fard & Mansouri, 2021).

مطابق تصویر ۶، بافت تاریخی نطنز محلات تاریخی قصبه، باغستان، افوخته، ریمه، ویشته، کندز، سرشک، مزرعه خطیر، مزید آباد، وشوشاد و رهن را در خود جای داده است. هسته اولیه و کانون توسعه شهر در محله قصبه قرار داشته که با توجه به روند شکل‌گیری و تکامل شهر در دوره‌های مختلف فضاهای متفاوتی در این مسیر به وجود آمده است. در حقیقت کالبد بافت تاریخی موجود شهر نطنز از اواخر دوره قاجار شکل گرفته و در دوره پهلوی



شهر نطنز در دهه ۵۰ و اوایل انقلاب



شهر امروزی نطنز



شهر نطنز در ۲۰ و اوایل دهه ۳۰

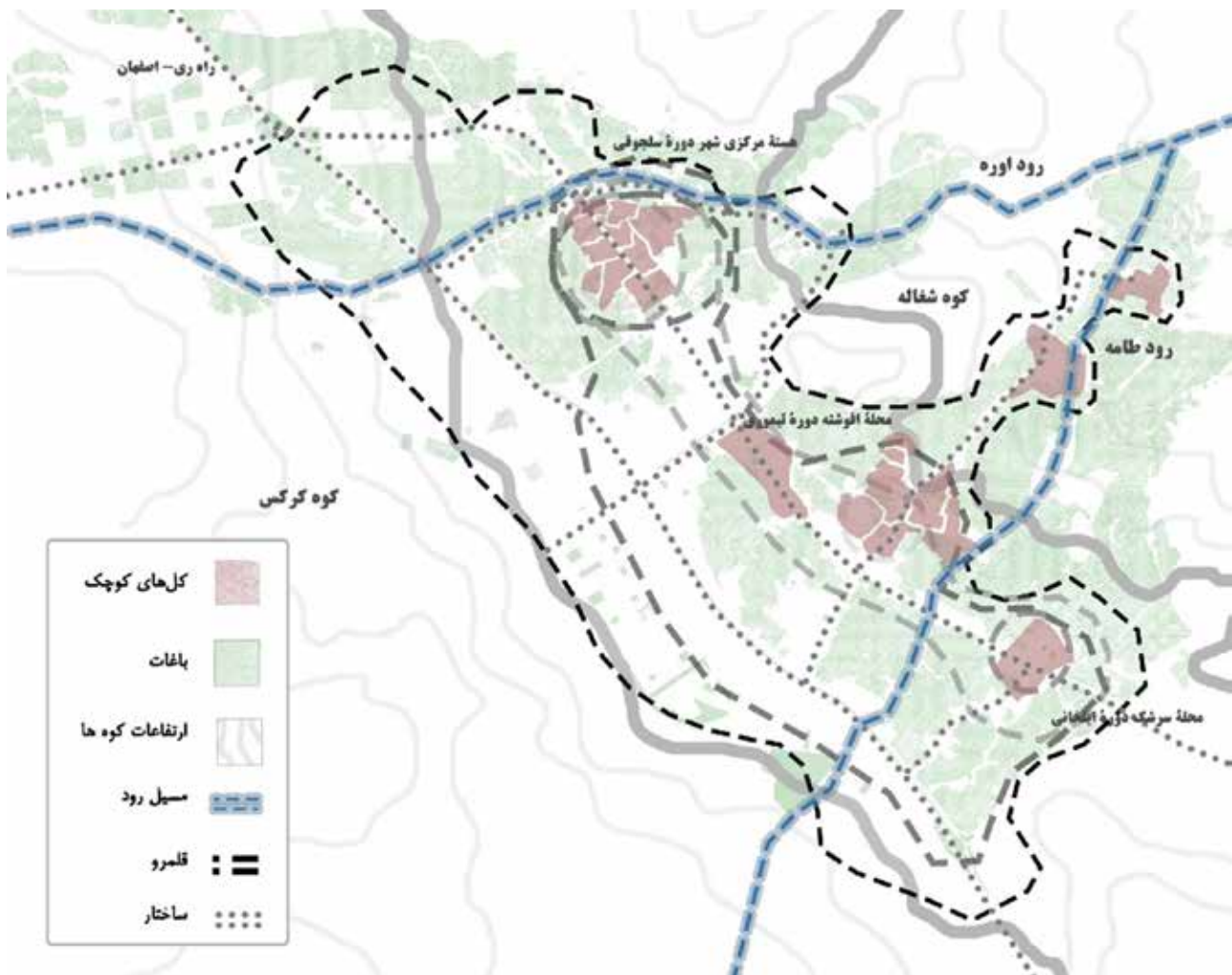


تصویر ۷. روند رشد کل‌های کوچک و محلات شهر نطنز. مأخذ: طرح جامع ۸۸.

فضایی و از بین رفتن خوانایی گردیده‌اند. مشاهدات میدانی در نواحی شمالی و شرقی شهر نشان می‌دهند که گسترش ساختمان‌سازی مدرن، نه تنها مرزهای طبیعی باغات و حریم هسته‌های تاریخی را تضعیف کرده، بلکه موجب ایجاد فضاهای انتقالی ناپایدار و بی‌هویت شده‌اند. همچنین روند گسترش کالبدی عمدتاً بر محورهای دسترسی و نواحی حاشیه‌ای متمرکز بوده و در بسیاری موارد بدون انطباق با ساختار تاریخی-فضایی شهر و الگوهای بومی صورت گرفته است. این توسعه‌ها در پیرامون هسته تاریخی و در امتداد مسیرهای ارتباطی جدید، منجر به گسست‌هایی در پیوستگی میان بافت‌های سنتی و فضاهای جدید شهری شده‌اند. گسترش کالبدی نامتوازن، تخریب بخشی از باغات در بافت تاریخی و توسعه کاربری‌های جدید، الگوی تاریخی شبکه‌بندی فضایی را مختل کرده و پیوست فضایی میان سه هسته سکونت‌نطنز را دچار تضعیف کرده است. در این میان، باغات به‌عنوان عناصر میان‌افزا، در معرض تفکیک و کاربری‌های ناسازگار قرار گرفته‌اند که نقش آنها در تعریف قلمرو شهری را به شدت کم‌رنگ کرده است. مطابق **تصویر ۸**، برنامه‌های

• آثار توسعه بر تحولات سازمان فضایی نطنز

با توجه به مطالعات انجام گرفته، پس از دوره پهلوی، با اجرای خیابان‌کشی‌های مستقیم و مداخله‌گرایانه، روند طبیعی و تدریجی توسعه شهر نطنز که مبتنی بر مسیرهای آبی، قنوات و باغات بود، دچار اختلال شد و انسجام قلمرو شهری را در ابعاد کالبدی، اجتماعی و عملکردی مختل ساخت. گسترش افقی و بی‌ضابطه شهر موجب تضعیف مرزهای تاریخی و طبیعی شهر شده و منجر به بروز الگوی پراکنده‌سازی (Urban Sprawl) شده است. پیش از آن، باغات به‌عنوان عناصر تولید مکان و مرزی، ساختار قلمرو شهری را شکل می‌دادند و توسعه منطبق با بستر طبیعی شکل می‌گرفت. اما با ظهور دو محور خیابان اصلی به‌عنوان استخوان‌بندی جدید شهر، انسجام فضایی دچار اختلال شد و باغات میان خیابان‌های معاصر به فضاهای حاشیه‌ای تبدیل شده‌اند. تحلیل‌های کالبدی از بافت نطنز نشان می‌دهد که توسعه‌های جدید در بسیاری از نقاط فاقد انسجام و هماهنگی با بافت پیشین هستند. ساختمان‌هایی در تقابل با ساختار متراکم و نظام‌مند قرار گرفته‌اند و موجب ناهمگونی



تصویر ۸. سازمان فضایی شهر نطنز. مأخذ: نگارندگان.

سکونت‌ی به واحدهایی منفک و کم‌ارتباط تبدیل شدند. در نتیجه، نه‌تنها ساختار کلی شهر از انسجام فضایی گذشته فاصله گرفت، بلکه درون محلات نیز الگوهای ارتباطی، عملکردی و فضایی دچار گسست شد. بدین ترتیب، ساختار باغ‌شهری که در گذشته عامل پیوند و سازمان‌دهنده فضایی شهر بود، به تدریج به عنصری جداکننده و فاقد یکپارچگی عملکردی و کالبدی، بدل شد.

پس از دوران پهلوی، روند توسعه شهری از الگوی سیستمی و یکپارچه که پیش از آن در ساختار شهرها حاکم بود، به سمت توسعه‌ای بخشی‌نگر و دستوری تغییر یافت و جدایی‌گزینی میان اجزا سازمان فضایی آغاز شد. در این دوره، برنامه‌ریزی‌های شهری اغلب بدون توجه به ظرفیت‌های بستر، ویژگی‌های مکانی و سازمان فضایی شهرها صورت گرفتند. این رویکرد موجب چندپارگی میان اجزای سازمان فضایی (تصویر ۹)، تضعیف ارتباط میان عملکرد و فضا، افزایش گسست اجتماعی و کاهش سرزندگی و حضورپذیری در فضاهای شهری شد. در نتیجه، توسعه‌ای نامتوازن و تمرکزگرا شکل گرفت که بیش از آنکه به ارتقاء کیفیت زندگی شهری بینجامد، به تشدید نابرابری فضایی و از میان رفتن انسجام شهری انجامید.

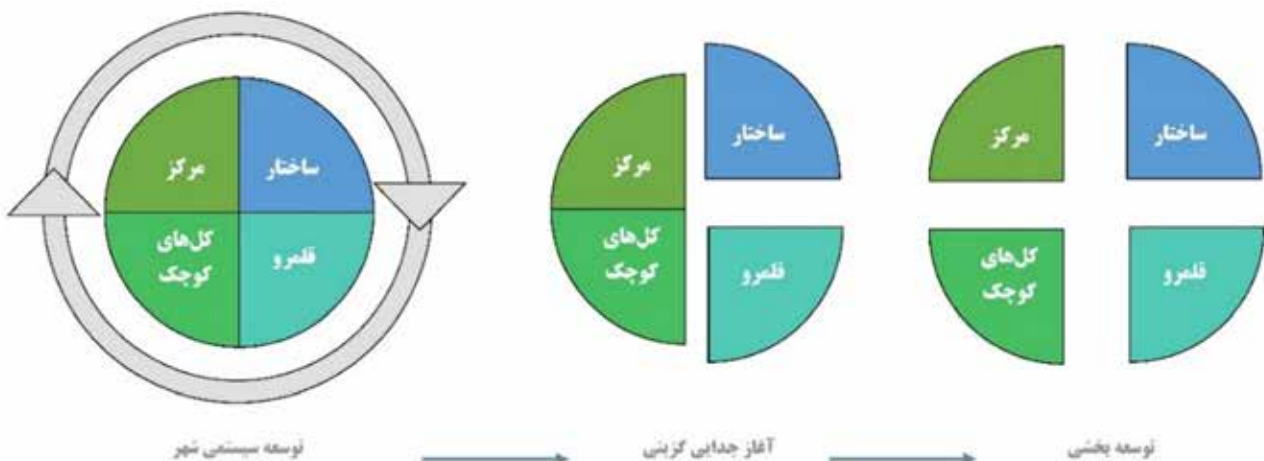
قلمرو از مؤلفه‌های بنیادین در سازمان فضایی شهرهای ایرانی پس از اسلام بوده و نقشی تعیین‌کننده در تعریف حدود کالبدی و مفهومی شهر ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد، کارکردی در راستای بازنمایی کلیت و تمامیت شهر به خود گرفته است. در شهر نطنز، حصار شهر به‌عنوان عنوان عامل ادراک یکپارچه شهر، واجد ابعاد گوناگون طبیعی (باغات)، کالبدی، عملکردی (امنیتی) و معنایی بوده است. در دوره ساسانی، استقرار قلعه و شاق بر ارتفاعات کوه کرکس و قلعه باغباد در محله افوشته، بیانگر شکل‌گیری قلمروهای عملکردی با هدف تأمین امنیت بوده است. در دوره‌های پس از آن، باغات نقش محوری در تعریف قلمرو ایفا کرده‌اند و نمود حصار از منظر طبیعی و در

توسعه معاصر منجر به تولید هسته‌های سکونت‌ی ناپیوسته با بافت تاریخی، گسست فضایی و افت کیفیت ادراکی محیط شهری شده است؛ امری که نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در سیاست‌های توسعه کالبدی شهر نطنز است.

جمع‌بندی

شهر نطنز به‌واسطه ویژگی‌های خاص طبیعی، توپوگرافی و شرایط کالبدی محیط، روند توسعه‌ای متفاوت از سایر شهرهای تاریخی ایران تجربه کرده است. ساختار فضایی این شهر از ابتدا مبتنی بر الگوی باغ‌شهر شکل گرفته و این ویژگی بنیادین، نقش تعیین‌کننده‌ای در سازمان فضایی آن داشته است. برخلاف بسیاری از شهرهای تاریخی ایران که توسعه‌ای متمرکز و هم‌پیوند دارند، نطنز با رشد در سه هسته سکونت‌ی مجزا، الگویی غیرمتمرکز به خود گرفته است. این هسته‌ها که از طریق شبکه‌ای از ساختارهای ارگانیک، باغات و فضاهای باز طبیعی به یکدیگر متصل بوده‌اند و همین پیوند اکولوژیک و عملکردی، انسجامی سیستمی را در ساختار فضایی شهر ایجاد می‌کرده است.

باتوجه به مطالعات صورت گرفته، در دوره‌های تاریخی تا پیش از دوران پهلوی، روند توسعه نطنز ماهیتی ارگانیک و پیوسته داشته است. اجزای اصلی سازمان فضایی شهر، در ارتباطی هماهنگ و نظام‌مند با یکدیگر قرار داشته و نوعی انسجام فضایی مبتنی بر رابطه انسان، بستر و طبیعت بر شهر حاکم بوده است. اما با آغاز تحولات شهرسازی در دوره پهلوی و ورود رویکردهای مدرن، تغییراتی در نظام فضایی شهر رخ داد که به تدریج ساختار و قلمرو را از مسیر سنتی خود خارج ساخت. در این دوره، پیوندهای میان اجزای سازمان فضایی شهر تضعیف شد و الگوی باغ‌شهری که به‌عنوان شالوده ارتباطی میان هسته‌های سکونت‌ی عمل می‌کرد، کارکرد پیشین خود را از دست داد. نتیجه این تحولات، شکل‌گیری جدایی‌گزینی فضایی بود که در آن هسته‌های



تصویر ۹. روند تغییر توسعه سیستمی شهر به توسعه بخشی. مأخذ: نگارندگان.

توسعه کالبدی، دو هسته سکونتی افروخته و سرشک نیز به صورت غیرمتمرکز در سطح شهر ایجاد شده‌اند و به‌عنوان مرکز خوانش می‌شوند (جدول ۱). ساختارهای شکل گرفته در بافت تاریخی شهر نطنز به‌عنوان ستون فقرات و عنصر ارتباط دهنده اجزاء شهر، تحت تأثیر شکل زمین، شیب و خطوط قنات شکل گرفته‌اند. ارتباط میان مرکز و محلات و همچنین عناصر شهری از طریق ساختارها ممکن می‌شود (جدول ۱). مطابق اسناد، بازار به‌عنوان مهم‌ترین ساختار شهر قلمداد شده و راه‌های منشعب از آن به‌منظور تعیین محلات و ارزش مکان در شهر می‌باشند. همانطور که در تصویر ۱۰ قابل مشاهده است، در تقاطع ساختارهای شهر، مراکز محلات شامل مکان مقدس (مسجد، حسینیه، تکیه) و فضای جمعی، شکل گرفته‌اند. علاوه‌بر عناصر فیزیکی در تعریف ساختار و نقاط عطف شهری و محلات، عناصر طبیعی برکه آب و درخت چنار نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند.

پیوند با ساختار معیشتی و اجتماعی شهر تداوم یافته است. بر این اساس، شکل‌گیری و تحول قلمرو در نطنز، متأثر از عوامل گوناگون سیاسی، معیشتی، امنیتی و اجتماعی-فرهنگی بوده و در دوره‌های مختلف، بر حسب شرایط، یکی از این ابعاد برجسته‌تر شده است. با وجود تغییر در شدت، شکل و جایگاه این مؤلفه‌ها در ادوار مختلف تاریخی، نقش حصار در تعریف حدود فیزیکی و معنایی شهر به‌مثابه یک واحد مستقل از بافت‌های همجوار، کلیدی و غیرقابل انکار است (جدول ۱).

مرکز شهر در محله قصبه و در مجاورت چارطاقی بهرام شکل گرفته است. اجزای اصلی این مرکز شامل چارطاقی، مسجد جامع، بازار و درختان چنار در مقابل مسجد جامع است که در خوانش ساختار فضایی مرکز و سازمان کلی شهر و ادراک آن نقش دارند. با وجود آنکه محله قصبه در حال حاضر به‌عنوان مرکز اصلی شهر شناخته می‌شود، اما به‌واسطه ساختار باغ‌شهری و در فرایند



تصویر ۱۰. مراکز محلات در تقاطع ساختارهای شهر و عناصر کالبدی (مساجد و مراکز محلات) و طبیعی (آب و درخت). عکس: صبا جعفری، ۱۴۰۴.

جدول ۱. شاخص‌ها، نقش و نمود کالبدی عناصر سازمان فضایی. مأخذ: Mansouri, 2020, 63; Abarghouei Fard & Mansouri, 2021.

عناصر سازمان فضایی	شاخص‌های اصلی	نقش عنصر در سازمان فضایی	نمود کالبدی	رویکرد
قلمرو (محدوده شهر)	۱. عنصر برجسته کالبدی؛ ۲. تعیین محدوده شهر و تأمین امنیت شهر؛ ۳. عنصر اساسی معنا بخش به کلیت شهر.	نمایانگر کلیت شهر و نماد مدنیت و قدرت	حصار مصنوعی و طبیعی، قلعه، باغات.	حفاظتی ادراکی معیشت اجتماعی
مرکزیت (معنای شهر)	۱. نقطه هست شدن شهر؛ ۲. بازار، میادین اصلی و فضای عمومی.	معادل کلیت کارکردی و معنایی شهر	مسجد جامع، مقبره عبدالصمد، بازار، میدان، حسینه فارح، درخت چنار و آب.	آئینی- مذهبی فرهنگی اجتماعی مذهبی اقتصادی سیاسی
ساختار (روابط شهر)	۱. عامل خوانش شهر به‌مثابه یک کل؛ ۲. ستون فقرات شهر و عنصر ارتباط دهنده اجزا شهر؛ ۳. تعریف سلسله مراتب در دسترسی‌ها؛ ۴. نهاد اجتماعی.	عامل ایجادکننده ارتباط کالبدی و معنایی در شکل‌گیری و درک کلیت شهر	بازار، محور اولیه، گذر اصلی، کوچه.	طبیعی دسترسی کارکردی اجتماعی
کل‌های کوچک (ماده شهر)	۱. واحد اجتماعی مستقل؛ ۲. جزئی از کلیت شهر؛ ۳. محلات و مجموعه‌های شهری.	ماده سازنده سازمان فضایی شهر و ابزار تکامل و توسعه آن	محلات و مراکز شهر، درخت چنار.	اجتماعی اقتصادی طبیعی فعالیتی

نتیجه‌گیری

سازمان فضایی به‌مثابه بنیان ساختاری و معنایی منظر شهری، نقشی اساسی در تبیین هویت فضایی شهرهای تاریخی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با تمرکز بر شهر نطنز نشان داد که این شهر دارای ساختاری منسجم و ارگانیک مبتنی بر بستر طبیعی، تاریخ شکل‌گیری تدریجی و عناصر فضایی معنادار چون مرکز، قلمرو، ساختار و کل‌های کوچک بوده است. خوانش سیستمی سازمان فضایی نطنز نشان داد که توپوگرافی، باغات، رودها، محلات، مراکز آیینی-اجتماعی و شبکه راه‌های سلسله‌مراتبی در پیوندی تنگاتنگ، ساختار فضایی شهر را در طول تاریخ شکل داده‌اند و در تثبیت منظر شهری نقش آفرینی کرده‌اند. در تحلیل ویژگی‌های سازمان فضایی تاریخی نطنز، باید به چند هسته‌ای بودن آن اشاره کرد. شکل‌گیری نطنز در تعامل مستقیم با بستر طبیعی آن، به‌ویژه کوه‌های شغاله و کرکس و رودخانه‌های طامه و اوره، موجب ظهور هسته‌های سکونت‌ی پراکنده‌ای شده که به‌واسطه شبکه‌ای از باغات با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. این باغات، علاوه بر نقش معیشتی، همچون مرزهای ارگانیک، قلمروهای شهری را تعریف و در انسجام کالبدی و معنایی شهر مؤثر بوده‌اند. مرکزیت شهر نطنز، در گذر زمان، محل تبلور هویت شهری و تجمع عملکردهای اجتماعی، مذهبی و اقتصادی بوده است. این مرکز به‌صورت پویا و متناسب با تحولات تاریخی، در میان هسته‌های قصبه، سرشک و افوشته شکل گرفته و همواره در پیوند با ساختارهای طبیعی و معنوی شهر معنا می‌یافته است. همچنین، کل‌های کوچک چون محلات و مجموعه‌های شهری، با درک دقیق از بستر طبیعی و فرهنگی و در نسبت فضایی با مرکز، به ایجاد نظمی ارگانیک و سلسله‌مراتبی در ساختار شهر انجامیده‌اند. نظام دسترسی نیز برپایه پیاده‌محوری و تعاملات اجتماعی درون‌محله‌ای تعریف شده بود که پیوستگی عملکردی و ادراکی اجزای شهر را تضمین می‌کرد. با این حال، تحولات کالبدی چند دهه اخیر بدون توجه به الگوهای

فضایی تاریخی و بدون درک نظام معنایی سازمان فضایی، موجب گسست در پیوستگی فضایی، تضعیف نقش مرکز تاریخی، از میان رفتن مرزهای طبیعی و عملکردی و کاهش خوانایی منظر شهری شده است. توسعه‌های جدید، با خیابان‌کشی‌های ناهماهنگ و استقرار زیرساخت‌های جدید بی‌توجه به بستر تاریخی، پیوندهای فضایی میان اجزا را از میان برده‌اند. کل‌های کوچک در معرض تداخل‌های کالبدی و کارکردی قرار گرفته و نظام پیاده‌محور سابق، جای خود را به ساختاری گسسته و ماشین‌محور داده است. این وضعیت نه تنها موجب افت کیفیت فضایی، زیستی و ادراکی شده، بلکه تهدیدی برای تداوم هویت منظرین و حافظه جمعی نطنز محسوب می‌شود. تحلیل موردی شهر نطنز نشان می‌دهد که فقدان نگاه کل‌نگر و سیستمی در فرایند توسعه، منجر به گسست عملکردی و تضعیف معنا و تجربه شهری شده است. سازمان فضایی نطنز، که بر تعامل میان طبیعت، کالبد تاریخی و شبکه اجتماعی استوار بود، امروز در معرض اختلال ناشی از تصمیمات توسعه‌ای مقطعی و فاقد مبنای نظری قرار گرفته است. از این رو، بازشناسی عناصر بنیادین سازمان فضایی و درک نقش آنها در شکل‌گیری منظر شهری، ضرورتی بنیادین برای سیاست‌گذاری‌های توسعه‌آنی است. حفظ ساختارهای معنادار، تقویت مراکز تاریخی، احیای ارتباطات فضایی میان اجزا و توجه به پیوستار طبیعی-کالبدی شهر، می‌تواند بستری برای احیای منظر شهری نطنز فراهم آورد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بازاندیشی در سیاست‌های توسعه شهری، بدون توجه به ساختار درونی سازمان فضایی، به گسست‌های عملکردی و معنایی منجر خواهد شد. این مطالعه می‌تواند الگویی نظری و عملی برای مدیریت توسعه فضایی در سایر شهرهای تاریخی با بافت‌های منسجم و منظرهای هویت‌مند فراهم سازد.

عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

فهرست منابع

- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۶۶). *نفحات الانس*. سعدی.
- فیگوئروا، دن گارسا دیسلوا. (۱۳۶۳). *سفرنامه دن گارسا دیسلوا فیگوئروا* (ترجمه غلامرضا سمعی). نشر نو.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۳). *بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران*. دانشگاه تهران.
- قربی، میترا. (۱۳۹۱). عوامل هویتی منظر در بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: کرمان). در *مجموعه مقالات همایش ملی منظر شهری* (صص ۶۳۳-۶۴۵). سازمان زیباسازی شهر تهران.
- کاشانی نطنزی، عزالدین محمود. (۱۳۲۵). *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*. سنایی.
- ماهیان، حسین. (۱۳۷۴). *جغرافیای تاریخی نطنز*. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز].
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* (ترجمه: علی نقی منزوری). شرکت مؤلفان و مترجمان.
- Abarghouei Fard, H., & Mansouri, S. A. (2021). Reviewing the Constituent Components of the Spatial Organization of Iranian City after Islam in the 9th–14th AH Travelogues. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 13(55), 20-29. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.240065.2070>
- Javeri, M., Karimian, H. and Mohammadi, S. S. (2022). A contemplation on the spatial structure and skeletal pattern of Qajar houses in Natanz. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 10(19), 115-136. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111867.html?lang=en
- Adelvand, P., Mousavilar, A., & Mansouri, S. (2016). "Urban art" as a Landscape Phenomenon in today's Society. *The Monthly Scientific*

Journal of Bagh-e Nazar, 13(39), 39-44. https://www.bagh-sj.com/article_14940.html

- Antrop, M., & Van Eetvelde, V. (2017). *Landscape perspectives: The holistic nature of landscape*. Springer. <https://doi.org/10.1007/978-94-024-1183-6>.
- Bell, S. (2007). *Landscape: pattern, perception, and process* (B. Aminzadeh, Trans.). Tehran University Press. (Original work Published 2012)
- Collado Capilla, V., & Gómez-Pardo Gabaldón, S. (2018). Urban landscape assessment. In *24th ISUF International Conference. Book of Papers* (pp. 1501-1511). Editorial Universitat Politècnica de València. <https://doi.org/10.4995/ISUF2017.2017.6020>.
- Jiang, J., Zang, T., Xing, J., & Ikebe, K. (2023). Spatial Distribution of Urban Heritage and Landscape Approach to Urban Contextual Continuity: The Case of Suzhou. *Land*, 12(1), 150-170. <https://doi.org/10.3390/land12010150>.
- Mansouri, S. (2005). An introduction to Landscape architecture identification. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 1(2), 69-78. https://www.bagh-sj.com/article_1489.html
- Mansouri, S. A. (2013). The Spatial System in the Islamic City of Iran. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 1(1), 51-62. https://www.jaco-sj.com/article_3691.html
- Mansouri, S. A., Farzin, A. A., & Jamshidian, M. (2019). *A Landscaped approach in urban design A methodology for urban space designs*. Nazar Art and Architecture Research Institute.
- Mansouri, S. A., Mokles, F., Hemmati, M., Abarghuifard, H., & Mohammadzaeh, Sh. (2020). *The Spatial System of Iranian City In the Islamic Preiod*. Nazar Art and Architecture Research Institute.
- Mansouri, S. (2010). چیستی منظر شهری [What is an urban landscape?]. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 2(9),

30-33. https://www.manzar-sj.com/article_405.html?lang=en

- Mohammadi, S. S., Karimian, H., & Javeri, M. (2022). Historical Developments of Natanz City Based on the Written Sources and Architectural Evidence. *Journal of Archaeological Studies*, 14(1), 53-81. <https://doi.org/10.22059/jares.2020.308552.142916>
- Mohammadi, S. S., Karimian, H., Talebian, M. H., & Javeri, M. (2021). Chronology of Neighborhoods Development Based on the Inscriptions of Historic Monuments Case study: City of Natanz. *Negarineh Islamic Art*, 7(20), 189-202. <https://doi.org/10.22077/nia.2021.3944.1391>
- Nattagh, M. J., & Hosseinzadeh, M. (2023). Investigation of developments and changes in Mashhad Spatial Organization. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 15(63), 26-37. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.344669.2195>
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. Pion.
- Rossi, A. (1982). *The Architecture of the City*. MIT Press.
- Spirn, A. W. (2008). *The language of landscape* (B. Aminzadeh & S. H. Bahreni, Trans.). Tehran University Press. (Original work Published 2000)
- Valibeig, M. & Inanloo, E. (2021). The Framework of Urban Landscape Reading from Walter Benjamin's View. *Journal of Urban Society's Arts*. 8(2), 124-130. <https://doi.org/10.24821/jousa.v8i2.6086>.
- Zandieh, M., & Goodarzian, S. (2014). Landscape approach, the success factor of urban tourism. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 11(30), 59-66. https://www.bagh-sj.com/article_6498.html

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

جعفری، صبا، رفیعی دهاقانی، وحید و پارسا، فاطمه. (۱۴۰۴). بازخوانی چالش‌های توسعه در منظر شهری نطنز با تأکید بر عناصر سازمان فضایی. گردشگری فرهنگ، ۶(۲۲)، ۵۰-۶۱.

DOI: [10.22034/toc.2025.547032.1204](https://doi.org/10.22034/toc.2025.547032.1204)

URL: https://www.toc-sj.com/article_232885.html?lang=fa

